

بررسی تحلیلی وضعیت مؤسسات آموزش عالی غیردولتی

محمد شاه محمدی^{۱*}

پروانه کیانی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۶/۱۳ تاریخ چاپ: ۱۳۹۸/۰۶/۲۶

چکیده

در این مقاله به بررسی تحلیلی وضعیت مؤسسات آموزش عالی غیردولتی با توجه به وضعیت مالی حال حاضر ایشان پرداخته شده است. بدین منظور به بررسی سناریوهای آینده آموزش عالی کشور و ارائه مدلی برای بهبود وضعیت رقابت-پذیری دانشگاه‌های غیردولتی - غیرانتفاعی پرداخته شده است. مقاله از نوع مروری-تحلیلی بوده و روش تحقیق مورد استفاده بر اساس تحلیل محتوا می‌باشد. با توجه به نتایج به دست آمده پیشنهاد می‌شود که ضمن مدنظر قرار دادن همه مؤلفه‌ها و شاخص‌های استخراجی از این پژوهش، عوامل و شاخص‌های دارای وضعیت نامناسب در دانشگاه‌ها را مورد توجه و بهبود آن‌ها را در رأس برنامه‌ریزی‌ها و تصمیم‌گیری‌های استراتژیک قرار گیرد.

واژگان کلیدی

مؤسسات آموزش عالی غیردولتی، سناریو نگاری، بحران مالی

^۱ مدیر مسئول فصلنامه رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری (Shahmohammadi@majournal.ir)

^۲ مدیر اجرایی فصلنامه رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری (kiani@majournal.ir)

۱. مقدمه

طی سال‌های اخیر دانشگاه و اکوسیستم متعامل آن شاهد رخداد پویایی‌های بسیاری بوده است. این پویایی‌ها در کشور ما تا یک دهه قبل عمدتاً تحت تأثیر استقبال فزاینده جامعه از تحصیلات دانشگاهی بوده است و لذا می‌توان با عبارت تقاضای جامعه از آن یاد کرد؛ اما طی سال‌های اخیر عوامل و پیشران‌های بسیاری به عرصه فعالیت دانشگاه‌ها وارد شده‌اند که برخی از آن‌ها فعالیت دانشگاه را با چالش روبه‌رو کرده و برخی دیگر به افزایش انتظار جامعه از خدمات دانشگاه انجامیده‌اند. شاید در نگاه اول بتوان برخی از عوامل اثرگذار بر آموزش عالی را مشتمل برافزایش چشمگیر نیاز جامعه و گسترش کاربرد فناوری در امر آموزش اشاره شده دانست. از منظر دیگر، با گسترش اقتصاد دانش‌بنیان و افزایش رقابت‌های اقتصادی میان صنایع، صنعت و اقتصاد به‌عنوان دو طرف تقاضای آموزش عالی به خروجی مناسب و باکیفیت دانشگاه نیازی دوچندان پیدا کرده‌اند. در کنار این عوامل، نظام آموزش عالی کشور شاهد مسائلی نظیر افزایش بی‌رویه مراکز آموزشی و رواج پدیده مدرک‌گرایی نیز بوده است. در نگاهی کلی می‌توان گفت که موجودیت آموزش عالی کشور تحت تأثیر روندها و عوامل بسیاری است که برخی از آن‌ها در محدوده کنترل و برخی دیگر خارج از کنترل متولیان و تصمیم‌گیران آن و ذاتاً با عدم قطعیت همراه هستند. لذا، برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری در حوزه آموزش عالی نیازمند درک صحیحی از روندهای موجود و داشتن تخمینی از آینده‌ای ممکن و محتمل پیش روی آن است.

طی بیست سال گذشته به دنبال تغییرات محیطی و به‌ویژه دگرگونی در نظام‌های اقتصادی و توسعه علم و فناوری، آموزش عالی با افزایش تقاضای اجتماعی برای حضور در دانشگاه‌ها مواجه شد و به علت افزایش تقاضا برای آموزش عالی، تلاش‌های زیادی برای بهبود میزان دسترسی و تضمین برابری صورت گرفت. باسیاست توسعه کمی، تعداد مراکز آموزشی عالی بخصوص دانشگاه‌های غیردولتی - غیرانتفاعی و در پی آن جمعیت دانشجویی با رشدی سریع، افزایش یافت. با رشد سریع و کمی دانشگاه‌ها برای پاسخگویی به این تقاضا، در حال حاضر تقاضا برای آموزش عالی کاهش و ظرفیت موجود برای پذیرش دانشجو، بیش از ظرفیت است. با افزایش فعالیت‌های

دانشگاه‌های علمی - کاربردی، پیام نور و دانشگاه آزاد اسلامی در زمینه‌ی جذب بدون کنکور دانشجویان و کاهش تعداد داوطلبان کنکور در سال‌های گذشته و از سوی دیگر با توجه به این که زیر نظام غیردولتی و غیرانتفاعی از بودجه ثابت و تسهیلات دولتی بهره نمی‌برند. این کاهش جمعیت دانشجویی، وضعیت دانشگاه‌ها غیردولتی - غیرانتفاعی را با محیطی متلاطم و ناآرام و بحرانی اقتصادی روبه‌رو ساخته است (روشن، ۱۳۹۴).

اکنون بسیاری از این دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های غیرانتفاعی خرج و دخلشان باهم سازگاری ندارد. این مؤسسات بعد از شروع فعالیتشان آمده‌اند زیرساخت‌هایی را فراهم کرده‌اند با این هدف که در کنار آموزش و پژوهش، بتوانند سودآوری هم داشته باشند، اما با کم شدن داوطلبان کنکور، موفق به جذب دانشجو به اندازه کافی نشده‌اند. بالاخره همه این مؤسسات در هر رتبه‌ای که قرار گرفته باشند، مقدماتی را فراهم کرده‌اند، سرمایه‌گذاری‌هایی داشته‌اند، کارمند و عضو هیئت علمی دارند، هزینه‌هایی دارند که سال به سال با توجه به تورم زیاد می‌شود. از سوی دیگر با این که مؤسسات غیردولتی - غیرانتفاعی هم با توجه به رشد تورم برای مثلاً ۲۵ درصد به شهریه تحصیلی دانشجویان اضافه می‌کنند، اما از آنجا که تعداد دانشجویان در حال تحصیل در این دانشگاه‌ها سال به سال کمتر می‌شود، درآمدشان بشدت کاهش پیدا می‌کند. در نتیجه پیش‌بینی ورشکستگی آن‌ها چیزی دور از ذهن و خلاف واقع نیست، این مسئله‌ای است که در نظام آموزشی فعلی با آن مواجهیم و باید برایش چاره‌اندیشی شود. از آنجا که نمی‌توان برای متقاضیان ورود به دانشگاه و سطوح بالای آن تعیین تکلیف کرد که کدام دانشگاه و مؤسسه را انتخاب کنند، تنها راه غلبه بر مشکل ورشکستگی این مؤسسات، پیروز شدن در رقابت بر سر دانشجو با سایر مراکز دانشگاهی است. این پیروزی نیز در گرو رقابت‌پذیر کردن دانشگاه‌های غیردولتی و غیرانتفاعی نسبت به دانشگاه‌های دیگر است؛ بنابراین مسئله اصلی این که رقابت‌پذیری دانشگاه‌ها از چه عواملی تشکیل شده است و میزان اهمیت هر یک از آن‌ها چقدر است و وضعیت فعلی آن‌ها چگونه است؟

در این مطالعه تلاش شد تا به پرسش‌های زیر پاسخ داده شود:

۱. مهم‌ترین عوامل و روندهای تأثیرگذار بر آینده آموزش عالی کشور در افق ۱۰ سال آینده کدامند؟

۲. در این افق زمانی آموزش عالی با چه سناریوهایی مواجه خواهد بود؟

۳. چه راهکارهایی در هر سناریو می‌توانند بهترین تأثیر را برای آموزش عالی کشور داشته باشند؟

۴. عوامل مؤثر بر رقابت‌پذیری دانشگاه‌ها کدامند؟

۲. مبانی نظری و ادبیات پژوهش

۱.۱،۲. سناریوهای آینده آموزش عالی

ابتدا ضمن مرور ادبیات داخلی، مجموعه‌ای از عوامل کلیدی اثرگذار بر آینده آموزش عالی کشور شناسایی شدند. به‌منظور تدوین سناریوهای آینده بر اساس مجموعه عوامل و روندهای اثرگذار بر حوزه آموزش عالی، از روش سناریونگاری شبکه جهانی کسب‌وکار که شوارتز آن را معرفی کرده است، استفاده شد. بدین منظور آن دسته از عواملی که بیشترین تأثیر را بر سایر عوامل و کمترین اثرپذیری از آنان را داشتند، به‌عنوان پیشران‌های موضوع و محورهای سناریو شناسایی شدند. پیشران‌های موضوع درواقع، عواملی هستند که آینده مدنظر تا حد زیادی متأثر از آن‌ها خواهد بود و پیش‌بینی رفتار آن‌ها در شناخت آینده بسیار حائز اهمیت است.

روند مدیریتی حاکم بر دانشگاه طی دهه‌های اخیر شامل مشخصه‌هایی نظیر برخورداری نبودن از پشتوانه سنت علمی، نامشخص بودن هدف نهایی، گسترش کمی و توسعه خطی، وابستگی به دولت و نبود مرجع ملی برای سیاست‌گذاری دانشگاه بوده است و عواملی نظیر تنوع مراکز آموزش عالی، تعدد مراکز تصمیم‌گیری، روند رو به رشد آموزش و پژوهش، توسعه علوم و رشته‌های دانشگاهی بر پیچیدگی آموزش عالی در کشور ما افزوده‌اند. در زمینه نوع مدیریت حاکم بر آموزش عالی کشور، در ادبیات علمی سه رویکرد دولتی، بازاری و خودگردان (هیئت‌امنایی) معرفی شده که در کشور ایران با مدیریت دولتی مواجه هستیم که با تلاشی ناموفق برای نیل به خصوصی‌سازی همراه بوده است. همگرایی زیادی بین تغییرات تقاضای آموزش عالی و تحولات رشد جمعیتی

جامعه مشاهده شده است و لذا، نیاز عمومی جامعه به تحصیلات دانشگاهی در رده‌های مختلف سنی به عنوان روند غالب در دهه اخیر زمینه ساز الزاماتی است که دانشگاه ناگزیر باید بتواند در سیاست‌ها و برنامه‌های خود آن‌ها را دخیل سازد و از این رو، نیاز جامعه می‌تواند به عنوان یک عامل کلیدی اثرگذار مطرح باشد که سطح تأثیر آن در ابزارهای آموزش و پژوهش و بازار محوری محصولات دانشگاهی امری اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. از طرف دیگر، صرف اعطای مدرک و تربیت نیروی انسانی ناکارآمد و بدون خلاقیت، جایی در اکوسیستم دانشگاهی امروز جهان ندارد و آموزش عالی باید بتواند خود را با نیاز طرف تقاضا هماهنگ کند وینسنت در مقاله‌ای چهار روند اصلی اثرگذار بر آموزش عالی را در عرصه جهانی شامل نیاز رو به رشد جامعه در نتیجه رشد آموزش عالی، افزایش حدود اختیارات دانشگاه‌ها با توجه به ورود تأمین کنندگان بخش خصوصی، مواجهه نظام آموزش عالی با نوآوری‌های جدید با توجه به تنوع رویکردهای آموزش عالی در جهان و توسعه سریع فناوری اطلاعات معرفی کرده است. او همچنین سایر روندهای مؤثر بر این حوزه را شامل اهمیت موضوعات تعلیم و تربیت، تغییرات جمعیتی، جهانی شدن، اهمیت بازار و حاکمیت بازار، مسائل اقتصادی و تأمین مالی، خصوصی شدن، رویکردی باز و شبکه‌ای به دانش و یادگیری مادام‌العمر می‌داند.

گول در پژوهش روندهای اثرگذار بر آینده آموزش عالی از اقتصاد نوآور به عنوان منبع ایجاد نیاز به خروجی‌های نوآورانه دانشگاه به عنوان روند اصلی اثرگذار نامبرده است. منیعی و همکاران در خصوص رابطه فناوری اطلاعات و ارتباطات و توسعه علمی کشور با استفاده از نقشه شناختی بررسی کردند و نشان دادند که همبستگی بالایی بین نشانگرهای فناوری اطلاعات و ارتباطات و نشانگرهای توسعه علمی کشورهای جهان وجود دارد. این مسئله نشان می‌دهد کشورهایی که از نظر علمی با توجه به متغیرهای مورد بررسی توسعه یافته‌اند، از نظر زیرساخت‌های فناوری اطلاعات نیز وضعیت مطلوبی داشته‌اند.

فراستخواه شرایط محیطی آموزش عالی را به پنج دسته محیط اقتصادی، سیاسی، خط‌مشی عمومی، فرهنگی و فناوری اطلاعات تقسیم کرده است. در محیط سیاسی عواملی نظیر ساختار دولتی سازمان‌ها، تمرکزگرایی، سیطره

سیاست و ایدئولوژی و دیوانسالاری بر بدنه علم و فناوری کشور تأثیرگذارند. در محیط اقتصادی عرضه و تقاضای علم و فناوری، بنگاه‌های صنعتی، رقابت و بودجه‌ریزی و تأمین مالی بر علم و فناوری کشور تأثیرگذارند. در محیط خط‌مشی عمومی درباره رویکردهای پاسخگویی به تقاضای اجتماعی بحث می‌شود. در محیط فرهنگی نیز فرهنگ رقابت پاسخگویی اثرگذار خواهد بود و در محیط فناوری اطلاعات جهانی‌شدن، زیرساخت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات نوین جزو عواملی هستند که تأثیرات بسزایی بر آینده علم و فناوری کشور خواهند گذاشت.

معین در خصوص مشکلات آموزش عالی کشور درباره عواملی از جمله گسستگی میان مراکز علمی و اجرایی، نبود تعامل میان دانشگاه، جامعه و دولت، نبود تناسب بین آموزش و بازار کار و به کار نگرفتن نتیجه تحقیقات و مدیریت متمرکز دولتی برای اداره دانشگاه‌ها بررسی کرده و نتیجه بررسی وی نوعی هم‌شکلی، انجماد سازمانی، دیوانسالاری، اتلاف فرصت‌ها و منابع و نبود بهره‌وری را در پی داشته است. فراستخواه در پژوهشی در خصوص الگوی تعاملات آموزش عالی و دانشگاه با سایر نظام‌های تولید و خدمات بررسی کرده است. فراستخواه و منیعی نیز درباره عوامل مؤثر بر مشارکت اعضای هیئت‌علمی دانشگاه در سیاست‌گذاری آموزش عالی بررسی کرده‌اند.

در پژوهش‌های متعددی در زمینه کیفیت در آموزش عالی بررسی شده است. جوادی و بهشتی در تحلیلی بر نظام آموزش عالی کشور از اهمیت کارکردهای اجتماعی دانشگاه در جوامع در حال توسعه از نظر انتقال دانش و فناوری به جامعه سخن گفته‌اند. همچنین به‌طور خاص در کشور ما مقوله روند مشارکت زنان در آموزش عالی به‌عنوان روندی قابل‌ذکر خواهد بود.

طرح پامفا (پروژه پایلوت آینده‌نگاری مناسب‌ترین فناوری‌های ایران تا سال ۱۴۰۴) در خصوص سناریوهای آینده پنج حوزه از فناوری‌هاست (فناوری‌های زیستی، دریایی، هوافضا، ارتباطات و الکترونیک) که در این میان فقط فناوری مرتبط با نتایج این پژوهش فناوری ارتباطات است. با نگاهی بر نتایج پامفا در حوزه فناوری اطلاعات

درمی‌یابیم که سناریوهای آینده فناوری ارتباطات بر مبنای دو پیشران اصلی حمایت/عدم‌حمایت دولت و مخابرات به‌منزله زیرساخت یا حوزه‌ای مستقل تدوین شده‌اند. پیش‌فرض ما در پژوهش آینده آموزش عالی توسعه فناوری ارتباطات بوده است که این مقوله در هر چهار سناریوی پامفای فناوری اطلاعات معنادار خواهد بود. همچنین منتظر و فلاحتی در مطالعه‌ای درباره سناریوهای آینده آموزش عالی کشورهای خارجی بررسی کرده‌اند (جدول ۱).

جدول ۱ - سناریوهای آینده آموزش عالی در کشورهای جهان (Montazer & Falahati, 2015 a)

عنوان پژوهش	سال اجرا	شماره انداز (سال)	مکان	قلمرو	پیشران‌های اصلی
سناریوهای مرکز مطالعات سیاستگذاری آموزش عالی	۲۰۲۰	۱۰	هند	فنی	مسائل اقتصادی و تأمین مالی، بین‌المللی سازی، خصوصی‌سازی بخش آموزش عالی
سناریوهای مرکز مطالعات سیاستگذاری آموزش عالی	۲۰۲۰	۱۵	اروپا	منطقه‌ای	مسائل اقتصادی و تأمین مالی، غلبه نیروهای بازار بر بخش آموزش عالی، توسعه فناوری
سناریوهای کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی	۲۰۲۰	۲۰	اروپا	جهانی	مسائل اقتصادی و تأمین مالی، جهانی شدن و بین‌المللی شدن، غلبه نیروهای بازار بر بخش آموزش عالی، توسعه فناوری
سناریوهای کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی	۲۰۲۰	۲۰	اروپا	جهانی	مسائل اقتصادی و تأمین مالی، جهانی شدن و بین‌المللی شدن، غلبه نیروهای بازار بر بخش آموزش عالی، تغییرات جمعیت، توسعه فناوری
سناریوهای کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی در حوزه پژوهش	۲۰۲۰	۲۰	اروپا	جهانی	مسائل اقتصادی و تأمین مالی، توجه به منافع ملی، جهانی شدن و بین‌المللی شدن، غلبه نیروهای بازار بر بخش آموزش عالی، توسعه فناوری
سناریوهای کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی در حوزه آموزش	۲۰۲۰	۲۰	اروپا	جهانی	مسائل اقتصادی و تأمین مالی، توجه به منافع ملی و منطقه‌ای، جهانی شدن و بین‌المللی شدن، غلبه نیروهای بازار بر بخش آموزش عالی، توسعه فناوری
سناریوهای کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی در حوزه آموزش	۲۰۲۰	۲۰	اروپا	جهانی	فردگرایی، جمع‌گرایی، توسعه فناوری، غلبه سازکارهای بازار بر بخش آموزش عالی
سناریوهای آینده آموزش عالی کشور انگلستان	۲۰۲۰	۲۰	بریتانیا	فنی	مسائل اقتصادی و تأمین مالی، غلبه نیروهای بازار بر بخش آموزش عالی، تغییرات جمعیت، توسعه فناوری
سناریوهای آینده آموزش عالی کشور انگلستان	۲۰۲۰	۲۰	بریتانیا	فنی	مسائل اقتصادی و تأمین مالی، غلبه نیروهای بازار بر بخش آموزش عالی، توسعه فناوری
سناریوهای آینده دانشگاه‌های کشور مالزی	۲۰۲۰	۱۰	مالزی	فنی	مسائل اقتصادی و تأمین مالی، جهانی شدن و بین‌المللی شدن، غلبه نیروهای بازار بر بخش آموزش عالی، توسعه فناوری
سناریوهای آموزش عالی کشور آمریکا	۲۰۲۰	۱۵	آمریکا	فنی	مسائل اقتصادی و تأمین مالی، جهانی شدن و بین‌المللی شدن، توسعه فناوری

۱،۱،۲. استخراج پیشران‌ها

همان‌طور که ذکر شد، آموزش عالی در جهان و همچنین در کشور ایران تحت تأثیر عوامل و روندهای

گوناهگونی قرار گرفته است. این عوامل گسترده‌ای از حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، جمعیت شناختی،

فناورانه، سیاستی و سیاسی را دربرمی گیرند. پرواضح است که آموزش عالی در کشورهای مختلف با توجه به اکوسیستم آن کشورها در شرایط متفاوتی رشد کرده است و وزن این عوامل و روندها برای هر کشور متفاوت خواهد بود؛ ولیکن در این پژوهش هدف یافتن آن پیشران‌هایی بود که در اکوسیستم حال حاضر آموزش عالی کشور بیشترین تأثیر را بر آن می گذارند و به اصطلاح به آن جهت می دهند. مرور ادبیات حوزه آموزش عالی ایران و جهان فهرستی از این پیشران‌ها را در اختیار ما قرار می دهد. در ادامه توضیحاتی درباره این پیشران‌ها ارائه شده است.

توسعه فناوری اطلاعات: توسعه فناوری عمدتاً با تأثیر بر راهکارهای ارتباطی و فرم ارائه محتوا، تأثیر چشمگیری بر مقوله آموزش داشته است. چنین راهکارهایی ذیل حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات تعریف می شوند. تغییر شکل آموزش عالی از حضوری به آموزش از راه دور یکی از واضح ترین تغییراتی است که در اثر توسعه سریع فناوری اطلاعات رخ داده است. همچنین می توان گسترش آموزش های آزاد غیررسمی در کنار واحدهای آموزشی رسمی و مرسوم را که در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری تهیه و تدوین می شود، نمود دیگری از توسعه فناوری اطلاعات در حوزه آموزش عالی دانست.

تغییر مأموریت آموزش عالی: آموزش و پژوهش و خدمات اجتماعی/صنعتی سه رسالت قابل تعریف برای دانشگاه هستند.

مسئله اساسی برای نسل های جدید دانشگاه این گونه مطرح می شود که آیا رسالت دانشگاه آموزش و تربیت نیروی انسانی است یا اهداف تجاری سازی و درآمدزایی نیز برای آن تعریف می شود؟ امروزه، دانشگاه ها برحسب بازارهای هدف و تقاضای موجود مأموریت های خاصی را در آموزش و تحقیقات بر عهده می گیرند.

تأمین مالی آموزش عالی: در سطح جهان و به ویژه در کشور ما دولت به شدت تحت فشار وظایف مربوط به توزیع بودجه و همچنین مسائل امنیتی و حفظ زیرساخت های عمومی است. به این موارد می توان مسائل اقتصادی ناشی از تحریم های بین المللی را نیز افزود. در نتیجه، انتظار می رود بودجه صرف شده برای آموزش عالی با کاهش

مواجه باشد. از این رو، مسئله تأمین مالی بسیار پراهمیت خواهد بود و دانشگاه باید بتواند سبدی از منابع مختلف مالی برای خود مهیا سازد. چنین چالش‌هایی به خصوصی‌سازی دانشگاه‌ها در کشورهای در حال توسعه منجر شده است و در کشور ما نیز تا حد امکان بر سبد تأمین مالی دانشگاه‌ها تأثیر بسزایی خواهد داشت. از جمله انواع راه‌های تأمین مالی می‌توان به بودجه دولتی، بخش خصوصی، دریافت مالیات، کارآفرینی و تجاری‌سازی تحقیقات و ارائه خدمات تخصصی به جامعه و صنعت اشاره کرد.

تغییرات جمعیتی: هرم جمعیتی کشور ما طی دهه‌های اخیر شاهد تغییرات چشمگیر و بسیار پراهمیتی بوده است. انفجار جمعیتی دهه ۶۰ موجب رخداد یک پله جمعیتی در این هرم شده است که متناسب با رشد سنی متولدان این دهه، نیازهای این قشر نیز مطرح می‌شوند. ضمن کاهش مولید دهه ۷۰ تا به امروز، انتظار می‌رود جمعیت متقاضی آموزش عالی در دهه ۱۴۰۰ نسبت به دهه ۱۳۹۰ کاهش شدید ۴۰ درصدی را شاهد باشند.

نیاز عمومی به آموزش عالی: احساس نیاز عموم جامعه به ادامه تحصیل در مقاطع بالا همانند نیاز به تحصیل در دبستان در جامعه وجود دارد.

جهانی‌شدن و رقابت‌پذیری: فرایند جهانی‌شدن به تعاملات بین مردم، شرکت‌ها و دولت‌ها در سطح جهانی اشاره دارد و فناوری اطلاعات نقش ابزار و زمینه هدایت این جریان را دارد. در نتیجه، این عامل با کاربرد فناوری در آموزش عالی ارتباط تنگاتنگی خواهد داشت. در عرصه آموزش عالی، جهانی‌شدن با شاخص‌هایی نظیر تعداد دانشجویان بین‌المللی، همکاری‌های دانش‌بنیان بین‌المللی برای ثبت نوآوری‌ها و اختراعات، آموزش دوزبانه، تعریف و اجرای پایان‌نامه با استادان بین‌المللی، دوره‌ها و سرمایه‌گذاری‌های مشترک تحقیقاتی و فناورانه و در یک کلام، آموزش عالی فراملی سنجیده می‌شود. لذا، در محیط رقابتی بین‌المللی دانشگاه به‌منظور جهانی‌شدن باید دانشجویان را به‌عنوان مشتری خود تلقی کند و حمایت مالی مجامع بین‌المللی را در سبد تأمین مالی خود بگنجانند از جمله سایر نمودهای جهانی‌شدن و رقابت‌پذیری می‌توان به جهانی‌شدن سبک زندگی جوامع و تغییر در نیازهای اجتماعی و اشتغال آنان، برندسازی آموزشی در رشته‌های خاص نظیر گردشگری، علوم ادیان،

باستان‌شناسی و ...، توسعه و تنوع رشته‌های میان‌رشته‌ای در کشور، ارتقای کیفیت آموزشی از طریق بررسی و تصویب برنامه‌های آموزشی منوط به احراز متقاضیان اجتماعی و اقتصادی به آن برنامه‌ها از یک سو و استانداردهای کیفیت در مؤسسات مجری آن برنامه‌ها از سوی دیگر و حذف روابط و گروه‌های نفوذ و کاهش و حذف لابی آنان بر گزینش‌ها و تصویب برنامه‌ها و تأسیس مؤسسات آموزشی بی کیفیت اشاره کرد.

آموزش عالی مبتنی بر تقاضای بازار و حاکمیت بازار بر آموزش عالی: امروزه و در نسل‌های جدید دانشگاه، دانشگاه‌ها برای افزایش سهم درآمد اختصاصی خود در جستجوی روش‌های متفاوتی از جمله تجاری‌سازی آموزش و تحقیقات و فناوری هستند. این حقیقت مؤید آن است که صنعت و جامعه خروجی آموزش عالی را تعیین می‌کنند. جدا از انطباق خروجی دانشگاه با نیاز صنعت، راه‌اندازی دوره‌های پودمانی سفارشی نیز می‌تواند استراتژی دیگر آموزش عالی در تعامل با سازمان‌ها و شرکت‌ها باشد.

مشارکت زنان: نتایج مطالعات آماری و تحلیل روند نشان می‌دهد که جایگاه زنان در عرصه آموزش عالی در سال ۱۴۰۴ بسیار فراگیرتر و گسترده‌تر از امروز خواهد بود. پیشگاهی فرد و پولاب طی بررسی شاخص‌های توسعه انسانی، اقتصادی و جنسیتی در کشور و مقایسه آن با کشورهای منطقه، روند رو به افزایش مشارکت زنان در حوزه آموزش عالی کشور را ارائه کردند. افزایش مشارکت زنان در آموزش عالی به‌طور بالقوه پیامدهای مثبت و منفی خواهد داشت که از جمله پیامدهای مثبت آن می‌توان به افزایش درآمد ناخالص ملی، ایجاد زمینه‌های مناسب اشتغال و از جمله پیامدهای منفی آن می‌توان به افزایش سن ازدواج و کاهش باروری اشاره کرد. در نتیجه گام اول، هفت عامل کلیدی به‌عنوان عوامل کلیدی اولیه شناسایی شدند. این خروجی در شکل ۱ نشان داده و یافته‌های این پژوهش در قالب جدول ۲ با یافته‌های سایر پژوهش‌های داخلی و خارجی مقایسه شده است.

تأثیر گذاری

• آموزش عالی مبتنی بر تقاضای بازار • تغییر مأموریت آموزش عالی	• توسعه فناوری اطلاعات • جهانی شدن و رقابت پذیری
• نیاز عمومی به آموزش عالی • تأمین مالی آموزش	• تغییرات جمعیتی

تأثیر پذیری

نگاره ۱- مقایسه عوامل کلیدی از نظر اثر گذاری و اثر پذیری

جدول ۲- مقایسه یافته‌های پژوهش با سایر پژوهش‌های داخلی و خارجی

ردیف	پژوهش‌ها	عنوان	پیشران‌های سناریو و عوامل مورد تأکید پژوهش
۱	پژوهش‌های سناریومحور	آینده آموزش عالی ایران و کارکردهای فناوری اطلاعات (Montazer & Falahati, 1394 b)	ساختار جمعیتی، فناوری، عوامل اقتصادی، جهانی شدن، تأثیر بازیگران غیر دولتی، مدل‌های جدید یادگیری، نیاز رو به رشد جامعه، ورود تأمین کنندگان بخش خصوصی، تنوع رویکردهای آموزش عالی در جهان
۲		مرکز مطالعات سیاستگذاری آموزش عالی هلند (Montazer & falahati, 1394 a)	اقتصادی و تأمین مالی، جهانی شدن، خصوصی‌سازی آموزش عالی
۳		مرکز مطالعات سیاستگذاری آموزش عالی اروپا (Montazer & falahati, 1394 a)	اقتصادی و تأمین مالی، فناوری، حاکمیت بازار
۴		کشورهای عضو OECD (نسخه‌های مختلف در حوزه‌های عمومی، آموزش و پژوهش در سال‌های ۲۰۰۳، ۲۰۰۴ و ۲۰۰۶) (Montazer & falahati, 1394 a)	فردگرایی، جمع‌گرایی، فناوری، حاکمیت بازار، اقتصادی و تأمین مالی، جهانی شدن، منافع ملی و منطقه‌ای، تغییرات جمعیت
۵		آموزش عالی انگلستان (در سال‌های ۲۰۰۵ و ۲۰۱۰) (Montazer & falahati, 1394 a)	اقتصادی و تأمین مالی، فناوری، حاکمیت بازار، تغییرات جمعیت
۶		آینده دانشگاه‌های مالزی (Montazer & falahati, 1394 a)	اقتصادی و تأمین مالی، جهانی شدن، فناوری، حاکمیت بازار
۷		آینده آموزش عالی آمریکا (Montazer & falahati, 1394 a)	اقتصادی و تأمین مالی، جهانی شدن، فناوری
۸	پژوهش‌های غیر سناریومحور	آینده پژوهی تجاری شدن آموزش عالی ایران: ضرورت یا الزام (Hemmati et al. 2015)	اقتصاد و تأمین مالی (تجاری شدن)، نیاز جامعه
۹		تغییرات ساختار جمعیت و تقاضای اجتماعی آموزش عالی در ایران (Shiri & Noorollahi, 2012)	ساختار جمعیت، نیاز جامعه
۱۰		الزامات کلان توسعه کیفی خصوصی سازی آموزش عالی در ایران (Jamshidi & Araste, 2012)	کیفیت و رقابت‌پذیری، خصوصی‌سازی
۱۱		بررسی نظام آموزش عالی کشورهای ایران و جهان (Javadi & Beheshti, 2010)	جهانی شدن، تأثیر فناوری، نیاز عمومی به آموزش عالی، رسالت، کیفیت آموزش (حرفه علمی)، تأمین مالی
۱۲		پیامدهای خصوصی‌سازی در آموزش عالی (Salehi Amiri, & Hekmatpoor, 2016)	خصوصی‌سازی و تأمین مالی
۱۳		آموزش زنان، فرصت یا تهدید برای آینده آموزش عالی ایران (Alizade & Hajilou, 2006)	مشارکت زنان
۱۴		روندهای آینده جمعیت و پیامدهای آنها برای آموزش عالی در سده بیست و یکم (Sabbaq, 2001)	ساختار جمعیت
۱۵	پژوهش حال حاضر	ارائه سناریوهای آینده آموزش عالی کشور با استفاده از روش نقشه شناختی فازی	توسعه فناوری اطلاعات، تغییر مأموریت آموزش عالی، تأمین مالی، تغییرات جمعیتی، نیاز عمومی به آموزش عالی، جهانی شدن و رقابت‌پذیری، آموزش عالی مبتنی بر تقاضای بازار

در نتیجه تحلیل نتایج اثر متقابل، عوامل جهانی شدن و آموزش عالی مبتنی بر تقاضای بازار به عنوان دو عامل پیشران

آینده آموزش عالی کشور شناسایی و به عنوان محورهای سناریو انتخاب شدند.

سناریو اول: جهانی شدن و رقابت پذیری

جهانی شدن و رقابت پذیری در عرصه بین المللی نیازمند افزایش کمیت و کیفیت آموزش عالی کشور از طریق توسعه میان رشته ای، برندسازی آموزشی در رشته های خاص، تصویب برنامه های آموزشی منوط به احراز وجود متقاضی صنعتی- اجتماعی و استانداردهای کیفیت در مؤسسات و دانشگاه ها و توسعه همکاری های بین المللی دانشگاه ها در جذب دانشجوی خارجی، آموزش دوزبانه، تعریف و اجرای پایان نامه با استادان بین المللی، دوره ها و سرمایه گذاری های مشترک تحقیقاتی و فناورانه است. با توجه به الزامات رقابت پذیری در عرصه بین الملل، دانشگاه باید ضمن حفظ رسالت آموزش و پرورش نیروی کار متخصص، اهداف درآمدزایی و تولید ثروت را نیز دنبال کند و این مقوله نیازمند ورود به بازار فناوری خواهد بود. لذا، از این منظر دانشگاه با ایجاد تغییر در مأموریت خود یا تکمیل آن مواجه خواهد بود. ورود به بازار فناوری نیازمند پیگیری و تأسیس واحدهای تحقیق و توسعه، دفاتر ارتباط با صنعت و دفاتر تجاری سازی و مالکیت فکری است. به ویژه بُعد بین المللی در این سناریو مستلزم فعالیت در بازارهای بین المللی و توجه بسیار زیاد به مقوله مالکیت فکری در خصوص قوانین بین المللی خواهد بود و از آنجاکه کشور ما در زمینه حقوق بین الملل و حقوق مالکیت فکری در سطح بالایی قرار ندارد، از این منظر با چالش های جدی مواجه خواهد شد. ورود به بازار فناوری مستلزم توجه به نیاز بازار است و بنابراین، در این سناریو دانشگاه به اجبار نیازمند تمرکز بر تقاضای بازار خواهد بود. نظر به فعالیت بین المللی دانشگاه در این سناریو، کاربرد فناوری بسیار محسوس خواهد بود. از جمله کاربردهای فناوری های امروز می توان به آموزش از راه دور، کاربرد رایانش ابری در به اشتراک گذاری داده ها و اطلاعات و شبکه های مجازی قابل استفاده در ایجاد تعامل میان پژوهشگران اشاره کرد.

سناریو دوم: حاکمیت بازار

طرف تقاضای آموزش عالی متشکل از صنعت و جامعه است. نیاز متقاضیان آموزش عالی به اشتغال در بازار کار و کسب درآمد از تحصیلات خود، دانشگاه را به سمت تمرکز بر نیاز بازار کار سوق می دهد و دوره های مورد نیاز

صنعت و مورد تقاضای بازار کار در دانشگاه‌ها راه‌اندازی می‌شوند. لذا، مأموریت آموزش عالی از صرف آموزش به تربیت نیروی انسانی موردنیاز بازار کار تغییر خواهد کرد و می‌توان انتظار داشت آن دسته از دوره‌های دانشگاهی که بازار کار مناسبی برای آن‌ها وجود ندارد، به تدریج با کاهش تقاضا از سمت جامعه و تعطیلی از سمت آموزش عالی مواجه شوند.

از آنجایی که بازار کار زمینه‌ای رقابتی برای کسب سود و ارزش آفرینی است، به تدریج کیفیت دانش‌آموختگان دانشگاهی به امری بااهمیت بدل می‌شود و در همان رشته‌های پر تقاضای دانشگاهی نیز شرط لازم اشتغال در بازار کار، دارا بودن کیفیت و دانش در سطح موردنیاز صنعت و جامعه خواهد بود و لذا، می‌توان انتظار داشت دوره‌های کم کیفیت در دانشگاه‌های سطح پایین با کاهش شدید تقاضا مواجه شوند. اصالت یافتن بازار کار موجب خواهد شد عادت مدرک‌گرایی به تدریج جای خود را به تخصص‌گرایی بدهد و از این‌رو، شاهد کاهش ارزش مدرک دانشگاهی و افزایش ارزش دوره‌های تخصصی دانش و فن مورد کاربرد بازار کار خواهیم بود؛ لذا، دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی به ارائه دوره‌های آموزشی با اعطای مدرک تخصصی در حوزه‌های ویژه روی خواهند آورد. تعامل با بازار کار منجر خواهد شد زمینه‌های جدید تأمین مالی برای آموزش عالی مهیا شوند و سبد تأمین مالی دانشگاه فارق از بودجه دولتی، درآمدهای ناشی از پروژه‌های صنعتی، توسعه فناوری‌های موردنیاز صنعت و همچنین درآمد ناشی از دوره‌های تخصصی یادشده را نیز در خود داشته باشد.

سناریو سوم: جهانی‌شدن در حین حاکمیت بازار بر آموزش عالی

کیفیت و رقابت‌پذیری آموزش عالی کشور از طریق توسعه میان‌رشته‌ای، برندسازی آموزشی در رشته‌های خاص، تصویب برنامه‌های آموزشی منوط به احراز وجود متقاضی صنعتی - اجتماعی و استانداردهای کیفیت در مؤسسات و دانشگاه‌ها و توسعه همکاری‌های بین‌المللی دانشگاه‌ها در جذب دانشجوی خارجی، آموزش دوزبانه، تعریف و اجرای پایان‌نامه با استادان بین‌المللی و دوره‌ها و سرمایه‌گذاری‌های مشترک تحقیقاتی و فناورانه افزایش می‌یابد. رسالت دانشگاه دیگر فقط آموزش نخواهد بود، بلکه به تربیت نیروی انسانی خواهد

پرداخت که علاوه بر توانایی ایفای نقش ارزشمند و سازنده در تأمین نیاز جامعه و صنعت، در برقراری ارتباطات و تبادلات علمی و فناورانه با جامعه علمی جهانی نیز اقدام کند؛ لذا، دانشگاه‌ها علاوه بر آموزش، اهداف ارتباط با صنعت، ارتباط با جامعه جهانی، تولید فناوری و درآمدزایی و تولید ثروت را نیز دنبال خواهند کرد و این اقدامات علاوه بر آموزش و پژوهش، نیازمند تشکیل دفاتر ارتباط با صنعت، زمینه‌های تولید خلاقیت و نوآوری و کارآفرینی، دفاتر تجاری‌سازی و کسب دانش مالکیت فکری خواهد بود. فعالیت‌های آموزش عالی در بستر فناوری‌های تسهیل‌کننده شکل خواهد گرفت و این امر به افزایش کمی و کیفی فعالیت‌های آن منجر می‌شود و ازجمله نموده‌های آموزش از راه دور بیشتر استفاده می‌شود. همچنین آموزش عالی به سمت تمرکز بر تقاضای بازار پیش خواهد رفت و دانشگاه برای تأمین مالی خود سبدهای از منابع مالی مختلف تشکیل می‌دهد که این سبد متشکل از راه‌های متنوع درآمدزایی ازجمله فروش فناوری، کسب درآمد از شرکت‌های برخاسته از اکوسیستم‌های کارآفرینی دانشگاه، همکاری‌های فناورانه و توسعه‌ای با شرکای علمی و تجاری داخلی و خارجی، بودجه دولتی و درآمد ناشی از آموزش تخصصی خواهد بود.

سناریو چهارم: انزوای بدون تقاضا

در این فضای سناریو متغیرهای پیشران سازنده فضا هر دو در حالت منفی قرار می‌گیرند؛ یعنی آموزش کشور در فضایی منزوی و بدون ارتباطات پویا با جامعه علمی جهانی قرار می‌گیرد و در طرف مقابل، در داخل کشور نیز برای پاسخگویی به تقاضای صنعت تلاشی صورت نمی‌گیرد. رسالت آموزش عالی همانند گذشته بیشتر معطوف به آموزش و ارائه تولیدات علمی و پژوهشی بدون توجه به نیاز بازار خواهد بود. ازاین‌رو، احتمالاً شاهد رشد مناسبی در کمیت تولید علم کشور خواهیم بود، اما از نظر کیفی همچنان مشکلات بسیاری وجود خواهد داشت. دانشگاه و صنعت و جامعه به‌مثابه جزایر جدا از هم هر کدام به ادای وظایف خود می‌پردازند و در این فضا امید چندانی به توسعه فناوری قابل رقابت در سطح جهانی وجود نخواهد داشت. توسعه رشته‌های جدید در کشور بدون توجه کافی به طرف تقاضا شکل می‌گیرد و سیاست‌گذاری‌های آموزش عالی دارای هدف‌گذاری صحیح و

منطقی نخواهد بود. نظر به کاهش همکاری دانشگاه و صنعت، دانشگاه به مصرف کننده صرف بودجه‌های دولتی تبدیل می‌شود و روحیه بروکرات و ذینفع محور یک سازمان دولتی در دانشگاه‌ها هم گسترش می‌یابد. توسعه روش‌های فناورانه در آموزش عالی کشور صرفاً به معنای تغییر در ابزار ارائه آموزش خواهد بود و روح مدرک‌گرایی در جامعه آموزش عالی دمیده می‌شود و مدرک‌های عالی به‌طور تدریجی ارزش علمی و عملی خود را از دست خواهند داد. بازخوردهای این وضعیت از سمت جامعه فرار نخبگان، شکایت از بیکاری و بی‌ارزشی تحصیلات عالی و کاهش ارزش تحصیلات تکمیلی در اذهان مردم خواهد بود.

۳. بحث و نتیجه‌گیری

رسالت آموزش عالی در گذر زمان دچار تغییرات مداوم بوده و از آموزش به پژوهش و سپس، به نوآوری و درنهایت، تجاری‌سازی و خلق ثروت تبدیل شده است. دانشگاه موجودیتی در حال تغییر است و متناسب با این تغییر، نیازمند تحول در ساختارهای نرم و سخت خود است تا بتواند نقش و رسالت خود را به بهترین شکل انجام دهد. در شرایط کنونی آموزش عالی کشور دچار مشکلاتی نظیر نداشتن ارتباط با صنعت، تولیدات علمی غیر هدفمند، نبود تناسب میان دانشجویان در مقاطع مختلف و غیره است. از دیدگاه آینده‌پژوهی روندها می‌توانند به آرامی بر سیستم تأثیر بگذارند و موجب تغییر متناسب با حل مشکلات شوند. مشکلات حال حاضر در آینده نزدیک موجب تشکیک در فلسفه وجودی آموزش عالی خواهد بود، زیرا جامعه و صنعت به‌عنوان دو مشتری بزرگ آموزش عالی کشور انتظارات خود از این سیستم را برآورده نمی‌بینند. لذا، با توجه به نظر خبرگان، پیشران‌هایی نظیر جهانی‌شدن و حاکمیت بازار می‌توانند بر بازه وسیعی از سیاست‌ها و فعالیت‌های آموزش عالی اثر بگذارند و سناریوهای بیان‌شده در این تحقیق را شکل دهند. پرواضح است که آینده لزوماً یکی از سناریوهای ارائه‌شده نیست و ممکن است حالتی بینابینی داشته باشد یا در ویژگی‌های سناریوهای بیان‌شده تغییرات اندکی به وجود بیاید؛ اما انتظار می‌رود فضای کلی آینده چیزی خارج از سناریوهای ارائه‌شده نباشد (جدول ۳).

جدول ۳- ویژگی‌های کلی سناریوهای تدوین شده آینده آموزش عالی کشور

عوامل کلیدی						
سناریوها	کاربرد فناوری	تغییر مأموریت	سبد تأمین مالی	نیاز عمومی به آموزش عالی	جهانی شدن	توجه به تقاضای بازار
سناریوی ۱: جهانی شدن	به کارگیری فناوریهای ارتباطی و تسهیل کننده آموزش و پژوهش و داده‌پردازی	اضافه شدن مأموریت درآمدزایی و تولید ثروت و ایفای نقش در توسعه فناوری به مأموریت آموزش و پژوهش	بودجه دولتی، درآمد ناشی از آموزش، درآمد ناشی از فروش فناوری و شرکتهای جدا شده از بدنه دانشگاه	ثابت و افزایشده	توسعه شاخصهای جهانی شدن	تمرکز بر نیاز بازار داخلی و نقش در بازار خارجی
سناریوی ۲: بازار حاکمیت	کاربرد فناوری صرفاً برای تسهیل آموزش	تمرکز مأموریت بر پاسخگویی به نیاز بازار از طریق پژوهش و توسعه فناوری در کنار ایفای نقش قدیمی آموزش	بودجه دولتی، درآمد ناشی از آموزش، درآمد ناشی از فروش فناوری	ثابت و افزایشده	تمرکز بر داخل	توجه به نیاز انسانی و فناورانه بازار داخلی
سناریوی ۳: جهانی شدن در بازار حاکمیت	به کارگیری فناوریهای ارتباطی و تسهیل کننده آموزش و پژوهش و داده‌پردازی	اضافه شدن مأموریت درآمدزایی و تولید ثروت و ایفای نقش در توسعه فناوری به مأموریت آموزش و پژوهش	سبدی از بودجه دولتی، درآمد ناشی از آموزش، درآمد ناشی از فروش فناوری و شرکتهای جدا شده از بدنه دانشگاه	ثابت و افزایشده	توسعه شاخصهای جهانی شدن	تمرکز بر نیاز بازار داخلی و نقش در بازار خارجی
سناریوی ۴: انزوای بدون تقاضا	کاربرد فناوری صرفاً برای تسهیل آموزش	صرفاً مأموریت آموزش و پژوهش	بودجه دولتی و درآمد ناشی از آموزش	کاهنده	انزوا	بی‌توجهی به نیاز بازار

برای ارائه راهکارها و پیشنهادهای سیاستی می‌توان با نگاهی به تصویر کلان هر سناریو و متغیرهایی که در آن فضای سناریو نقش دارند، به تبیین سبد راهبردها و سیاست‌ها اقدام کرد. برای مثال، در سناریوی اول با عنوان جهانی شدن و رقابت‌پذیری می‌توان در حوزه‌های توسعه زمینه‌های فناورانه، تشکیل سبد درآمدهای مالی و نوع ارتباط با صنعت و جامعه به عنوان متغیرهای سیاستی برنامه‌ریزی کرد و سپس، آن را با شاخص‌هایی نظیر میزان تعاملات مبتنی بر کاربست فناوری‌های ارتباطی، نسبت تأمین مالی فناورانه و نوآورانه به بودجه دولتی، میزان

همکاری‌های مشترک دانشگاه و صنعت که به تولید فناوری یا ارائه راهکار نوآورانه منجر شده‌اند، ارزیابی کرد. چنانچه آموزش عالی بخواهد در فضای مثبت آینده قدم بگذارد، نیاز و تمایل جامعه به تحصیلات تکمیلی باید با اشتغال مناسب پاسخ داده شود و این امر زمانی رخ می‌دهد که نه تنها خروجی‌های دانشگاه از کیفیت مناسب و موردنیاز صنعت برخوردار باشند، بلکه مکانیزم صحیحی برای فرایند به کارگیری دانش آموختگان اندیشیده شود. رویه‌های جانبی را که می‌توانند به رخداد این امر کمک کنند، می‌توان در قالب مکانیزم صحیح و اصولی تصویب رشته‌ها و نسبت دانشجویان، تعریف سازوکارهای صحیح کارآفرینی دانش آموختگان، توجه به نیاز بازار و غیره بررسی کرد.

بنا بر سناریوهای ارائه‌شده، مجموعه متغیرهای سیاستی و شاخصه‌ای پیشنهادی قابل استفاده در چهار سناریوی یادشده به شرح جدول ۴ است.

جدول ۴- مجموعه متغیرهای سیاستی و شاخصه‌ای پیشنهادی قابل استفاده در چهار سناریوی آینده آموزش عالی کشور

متغیرهای شاخص پیشنهادی	متغیرهای سیاستی و سیاست پیشنهادی	
• میزان تعاملات مبتنی بر کاربری فناوریهای ارتباطی • نسبت تأمین مالی فناوریانه و نوآورانه داخلی و خارجی به بودجه دولتی • میزان همکاریهای مشترک دانشگاه و صنعت که به تولید فناوری یا ارائه راهکار نوآورانه منجر شده‌اند	• توسعه زمینه‌های فناوریانه • تشکیل سبد درآمدهای مالی • نوع ارتباط با صنعت و جامعه • تعداد همکاریهای مشترک با اکوسیستم‌های خارجی	سناریوی ۱: جهانی شدن و رقابت پذیری
• تعداد رشته‌های دانشگاهی دارای متقاضی خارج از دانشگاه • میزان تعاملات نوآورانه و فناوریانه دانشگاه با صنعت و جامعه • تعداد پایان نامه‌های تعریف شده با مشارکت و حمایت صنعت و جامعه • نسبت تأمین مالی فناوریانه و نوآورانه به بودجه دولتی	• تصویب رشته‌های دانشگاهی مبتنی بر وجود تقاضا • تأسیس دفاتر ارتباط با صنعت و انتقال فناوری • تصویب پایان نامه‌های دانشجویی در صورت اخذ نیاز از طرف تقاضا • تشکیل سبد درآمدهای مالی	سناریوی ۲: حاکمیت بازار
• میزان تعاملات مبتنی بر کاربری فناوریهای ارتباطی • نسبت تأمین مالی فناوریانه و نوآورانه داخلی و خارجی به بودجه دولتی • میزان همکاریهای مشترک دانشگاه و صنعت که به تولید فناوری یا ارائه راهکار نوآورانه منجر شده‌اند • تعداد رشته‌های دانشگاهی دارای متقاضی خارج از دانشگاه	• توسعه زمینه‌های فناوریانه • تشکیل سبد درآمدهای مالی • نوع ارتباط با صنعت و جامعه • تعداد همکاریهای مشترک با اکوسیستم‌های خارجی • تصویب رشته‌های دانشگاهی مبتنی بر وجود داشتن تقاضا	سناریوی ۳: جهانی شدن در
• میانگین تعداد واحدهای خلاقیت و نوآوری در رشته‌های دانشگاهی • تعداد طرحهای نوآورانه دانشجویان دانشگاهها • نسبت میزان طرحهای نوآورانه در رزومه اعضای هیئت علمی دانشگاهها • میزان اثربخشی قوانین تشویق خلاقیت و نوآوری در جامعه	• تربیت نیروی انسانی خلاق و نوآور به منظور ایفای نقش فردی در شغل آینده خود • ارتقای هیئت علمی مبتنی بر ثبت طرحهای نوآورانه • گفتمان سازی خلاقیت و نوآوری در نهاد جامعه	سناریوی ۴: انزوای بدون تقاضا

۶. منابع و مآخذ

۱. اصغری، سعید؛ اکبرپور شیرازی، محسن (۱۳۹۷). ارائه سناریوهای آینده آموزش عالی کشور با استفاده از روش نقشه شناختی فازی فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، دوره ۲۴، شماره ۱، صص. ۱-۲۶.
۲. بیگدلی، مژگان؛ کرامتی، محمدرضا؛ بازرگان، عباس (۱۳۹۱). بررسی رابطه بین رشته تحصیلی با وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، شماره ۶۵، صص ۱۱۱-۱۳۱.
۳. پورتر، مایکل (۱۳۹۱). مزیت رقابتی ملت‌ها (مدل الماس)، ترجمه‌ی محمد مهدوی مژده و فائزه محمدی پور، سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی.
۴. حیدری، سید عباس؛ سعیدی، نیما (۱۳۹۰). بررسی تأثیر هوشمندی رقابتی بر رقابت‌پذیری صنعت فرش کشور، فصل‌نامه انجمن علمی فرش ایران، شماره ۱۹.
۵. روشن، محمد (۱۳۹۴). ایسنا. شماره خبر: ۲۰۶۴۶۳۶۳۸۱۳۶۹۷۶.
۶. سرمد، رضا (۱۳۹۲). بررسی امکان رابط در قطعات خودرو صادراتی ایران (دینام و استارت) در بازارهای منطقه بر اساس مدل پورتر (مطالعه‌ی موردی: شرکت استام صنعت)، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد مدیریت اجرایی، دانشگاه آزاد زنجان.
۷. شبگو، مجتبی؛ موسوی، ابوالفضل؛ عادل، بهزاد (۱۳۹۳). افزایش رقابت‌پذیری شرکت‌ها بر اساس مدل پورتر، دومین کنفرانس ملی پویایی مدیریت، توسعه‌ی اقتصادی و مدیریت مالی، شیراز، شرکت پندار اندیش رهپو.

۸. فروزنده دهکردی، لطف‌الله؛ رحیمی کلور، حسین (۱۳۸۹). الزامات رقابت‌پذیری در بخش‌های صنعت و

تجارت، راهبرد یاس، (۲۲)، صص ۱۹۹-۱۸۶.

۹. مرادی، مرتضی، رسول شفایی (۱۳۸۴). رقابت‌پذیری از دیدگاه مدل الماس پورتر، تدبیر (۱۶۴).

۱۰. مقصودی، محمد (۱۳۹۱). شناسایی و اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر صادرات لوله‌ی چدن نشکن بر اساس

مدل ملی پورتر (مطالعه موردی: شرکت هامون نایژه)، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.

11. Sohail, M. Sadiq and Shaikh, Nassar M (2004). Quest for excellence in business education: a study of student impressions of service, quality, International Journal of Educational Management, Vol.18 Iss 1 pp.58-65.
12. Gajic, J(2012) Importance of marketing mix in higher education institutions. Singidunum journal, 9, 29-41.
13. Riasi, arash (2015) Competitive Advantages of Shadow Banking Industry: An Analysis Using Porter Diamond Model, Institute for Financial Services Analytics, University of Delaware 97 Amstel Ave., Apt. West 23, Newark, Delaware, 19711, United States.
14. Pulaj, Enida. Kume, Vasilika. Cipi, Amali (2015). The impact of generic competitive strategies on organizational performance. The evidence from Albanian context, European Scientific Journal (ESJ), Publisher: European Scientific Institute (ESI).
15. Nangila Sifuna, Irene (2014). Effect of Competitive Strategies on Performance of Public Universities IN Kenya, Department of Business Administration, School of business administration, Kenyatta University.
16. Apriani¹, Fajar, Sangkala, Muhammad Yunus, Baharuddin (2017). Competitiveness Strategy Model for Effective Organizational Structure of Higher Education in East Kalimantan, Management, 7(5): 180-184.

Analytical Survey of the Status of Higher Education Institutions

Mohammad Shah Mohammadi ¹

Parvane Kiani ²

Date of Receipt: 2019/09/05 Date of Issue: 2019/09/18

Abstract

In this article, the situation of non-governmental higher education institutions is analyzed according to their current financial situation. To this end, the future scenarios of higher education in the country and the provision of a model to improve the competitiveness of non-governmental non-profit universities have been studied. The article is a review-analytical type and the research method is based on content analysis. Based on the obtained results, it is suggested that while considering all the components and indicators extracted from this research, the factors and indicators with inappropriate status in universities should be considered and their improvements should be at the top of planning and decision making. - Strategic conflicts should be considered.

Keyword

Non-governmental higher education institutions, screenwriting, financial crisis

1. Director of Journal of new research approaches in management and accounting (shahmohammadi@majournal.ir)
2. Executive Assistant of Journal of new research approaches in management and accounting (kiani@majournal.ir)